

نقش هنرهای تزئینی در میان مردم قدیم ایران

لازم است کلمه هنر تزئینی تعریف و تشریح شود، زیرا این کلمه امروز در بسیاری از موارد بوسیله نویسندگان و هنرمندان بکار برده می شود و بسیاری از مردم کاملاً مفهوم آن را درک نمی کنند. شاید بتوان در مقابل هنر تزئینی هنر تجسمی را قرار داد، ولی کلمه هنر تجسمی احتیاج به تعریف دارد. اگر شما مجسمه‌ای از قهرمانی یا ربه‌النوعی بسازید، و آن را در کنار باغ عمومی و یا در داخل کاخ شخصی قرار دهید مجسمه شما جزء دسته هنرهای تجسمی بشمار می‌آید. به همین طریق اگر یک پرده نقاشی بسازید برای این که آن را در اطاق خودتان یا در کتابخانه عمومی یا در هر محل دیگری قرار دهید تا مردم آنرا ببینند، و از دیدن آن به دلایلی لذت برند، باز پرده نقاشی شما جزء هنرهای تجسمی خواهد بود. ولی اگر صفحه کتابی را مصور کنید، نه برای این که صفحات کتاب خود را تزیین کرده باشید، این صفحه مصور جزء هنرهای تزیینی خواهد بود و از کتاب مجزا نمی تواند باشد، یعنی نمی توانیم آنرا به صورت «پرده نقاشی» به دیوار آویزان کنیم. اگر دسته چاق یا قلیان را با کنده کاریهای مختلف تزیین نمایند، این کار جزء دسته هنرهای تزیینی خواهد بود. به همین طریق وقتی طرفین پله های کاخ آپادانای تخت جمشید را با نقوش برجسته تزیین می کنند، و یا روی گنبد شیخ لطف الله را با کاشیهای هفت رنگ می پوشانند، و قوطی سیگار نقره ای را با گل و برگ مزین می کنند، و همچنین دسته ظرفی را به صورت حیوان شاخ داری در می آورند، تمام اینها جزء دسته هنرهای تزیینی می شوند. اگر مفهوم کلمات هنرهای تجسمی و تزیینی روشن شد، می توانیم بگوییم که در ایران هنرهای تجسمی زیاد مورد علاقه هنرمندان نبوده، ولی برعکس هنرهای تزیینی شدیداً مورد توجه عموم بوده است. اگر داخل یک خانه قدیمی مانند خانه امام جمعه در تهران یا حسینیة قزوین بشوید، ملاحظه خواهید کرد که در و پن-جره و کف اطلاق و سقف آنها و عموم آنچه که در این اطلاقها مورد مصرف ساکنان بوده هر کدام به نحوی تزیین شده اند، بنابراین می توانیم بگوییم هنرهای تزیینی در دوره های قدیم ایران بسیار مورد پسند مردم بوده است. در موزه قزوین یک چرخ بستنی فروشی و یک گاری اسبی از صد سال قبل باقیمانده که هر کدام به منزله یک موزه نقاشی است. اگر دسته چاق یا قلیان را با کنده کاریهای مختلف تزیین نمایند، این کار جزء دسته هنرهای تزیینی خواهد بود. به همین طریق وقتی طرفین پله های کاخ آپادانای تخت جمشید را با نقوش برجسته تزیین می کنند، و یا روی گنبد شیخ لطف الله را با کاشیهای هفت رنگ می پوشانند، و قوطی سیگار نقره ای را با گل و برگ مزین می کنند، و همچنین دسته ظرفی را به صورت حیوان شاخ داری در می آورند، تمام اینها جزء دسته هنرهای تزیینی می شوند. اگر مفهوم کلمات هنرهای تجسمی و تزیینی روشن شد، می توانیم بگوییم که در ایران هنرهای تجسمی زیاد مورد

علاقه هنرمندان نبوده، ولی برعکس هنرهای تزینی شدیداً مورد توجه عموم بوده است. اگر داخل یک خانه قدیمی مانند خانه امام جمعه در تهران یا حسینیه قزوین بشوید، ملاحظه خواهید کرد که در و پن-جره و کف اطلاق و سقف آنها و عموم آنچه که در این اطلاقها مورد مصرف ساکنان بوده هر کدام به نحوی تزین شده اند، بنابراین می توانیم بگوییم هنرهای تزینی در دوره های قدیم ایران بسیار مورد پسند مردم بوده است. در موزه قزوین یک چرخ بستنی فروشی و یک گاری اسبی از صد سال قبل باقیمانده که هر کدام به منزله یک موزه نقاشی است. به گاری اسب می بستند برای اینکه سنگ و آجر از منطقه ای به منطقه دیگر برود، ولی دو پهلوی آن را با نقوش مختلف و جالب تزین می کردند، اینها به نشانه آنست که مردم آن زمان به هنرهای تزینی علاقه داشتند. در قزوین حمامی از عهد صفویه باقیمانده که به تنهایی نماینده هنر ایرانی در آن زمان است.

در ارتفاعات البرز در نقاطی که رفت و آمد انسانی بسیار نادر است، به چهارپاداری برمی خورید که قاطر خود را طوری مزین نموده که حیوان به صورت موزه ی سیاری از هنرهای تزینی در آمده است. یکی از خصوصیات هنرهای تزینی ایران این است ریزه کاریهای فراوان در نقوش بکار می برد، مثلاً تذهیب و تشعیر حاشیه ی یک صفحه کتاب دستی را اگر با ذره بین نگاه کنید خواهید دریافت که بقدری نقوش و گره های مختلف با دقت ترسیم شده اند که وقتی بزرگ می شوند هیچگونه اختلاف در میان آنها مشاهده نمی شود و مانند این است که همه از روی یک قالب ریخته شده اند. برای مثال دسته ی ظرف نقره زراندودی را که متعلق به دوران هخامنشی است، و بارها در مجلات مختلف نشان داده شده، ارائه می دهیم (شکل ۱). ظرف مورد بحث از نقره یا طلا بوده و دو دسته داشته است. این ظرف چندان بزرگ نیست و چیزی شبیه به گلدانهای نقره ایست که در این روزها پس از مسابقات بزرگ به برندگان جوایز می دهند. شکل ۲ قسمتی از نقوش برجسته پله های آپادانا در تخت جمشید را نشان می دهد، که در ضمن آن یکی از نمایندگان ملل تابعه (اگر کلاه آن را مدرک قرار دهیم شاید از مردم ساکن در آسیای صغیر باشد) دو گلدان نقره یا طلا برای تقدیم به شاهنشاه، به مناسبت عید نوروز می برد. اگر این عکس واضح می بود خوانندگان عزیز می توانستند. دو دسته ی ظرفهای مزبور را بخوبی تشخیص دهند و آن را با شکل یک مقایسه کنند. بنابراین اگر باز به شکل یک برگردیم استنباط خواهیم کرد که این شکل چندین برابر اندازه طبیعی خود در عکس بزرگ شده و با این حال تمام قدرت هنری خود را حفظ نموده است. قیافه این حیوان روح زنده ای دارد، چشمان او می درخشد، شاخهایش با قدرت کامل مجسم شده، بالهایش زراندود است. مجموع این خصوصیات، حیوان را بصورت مخلوق فوق العاده ای در آورده که چشم از دیدن آن لذت می برد. اصل ظرف از میان رفته ولی دسته های آن معلوم نیست که در کدام منطقه از کشور ما پیدا شده، بوسیله عتیقه فروشان به موزه «لوور» در پاریس و موزه برلن فروخته شده، و امروز این دو دسته ی ظرف در دو پایتخت اروپا به منزله ی شاهکارهای

بزرگی از فلزکاری قدیم است که هنر پدران ما را معرفی می نماید. بعید نیست که امروزه بهترین جامه‌های نقره و اشیاء مختلف دیگر از این قبیل در شهر اصفهان ساخته می شود، زیرا این همان هنر پدران ماست که دست به دست تا امروز به صنعتگران امروز اصفهان انتقال یافته است. در تمام ادوار تاریخی ایران خواه در ایام پیش از اسلام و خواه در عهد اسلامی هنر فلزکاری در کشور ما شاهکارهای متعدد بوجود آورده که نمونه های زیبایی از آنها در موزه های مختلف جهان دیده می شود. هنر ریزه کاری نزد سنگتراشان نیز رسوخ یافته ، بطوری که بعضی گفته اند سنگ تراشیهای پله های آپادانا به دست جواهرسازان انجام گرفته، و ما برای نمونه قسمتی از سنگ تراشی مکشوف در تالار خزانه داریوش در تخت جمشید را که امروز در موزه ایران باستان است در شکل ۳ نشان می دهیم. در این شکل خنجر یکی از همراهان داریوش (شاید اسلحه دار باشی شاهنشاه باشد) دیده می شود و حیوانهایی که روی آن نقش شده قابل مقایسه با دسته ظرف مورد بحث ما می باشد. اگر خوانندگان ذره بینی داشته باشد می توانند آن را با ذره بین نگاه کنند تا به هنر پی ببرند. این شکل قسمتی از سنگ تراشیده های نیم برجسته تخت جمشید را نشان می دهد. این نقش نماینده فرشته ای است که در مذهب آشوری ها به صورت نیم خدایی پرستیده می شده و هنرمندان ایران آن کار پسندیده و بعد آن را در نقوش مختلف بکار برده اند. شاخهایی که روی کلاه وی دیده می شود علامت خدایی او می باشد و تاجی که بر سر دارد نشانه این است که قدرت سلطنت از طرف خداوند باو تفویض شده. صورت انسان و پنجه های شیر و بال عقاب و گوش گاو دارد، و بر گوش وی حلقه ای آویزان است. ریشها و موهای مجعد او با کمال دقت طراحی شده . آیا تصور نمی فرمایید رابطه ای میان این نقش با نقش دسته ظرف نقره ی موزه لوور و موزه برلن وجود داشته باشد. گنبد کبود (شکل ۴) در تاریخ ۵۹۳ یعنی کمی پیش از حمله چنگیز به کشور ما، در شهر مراغه ساخته شده. آیا بین این بنا و گلدانها و جامه های نقره اصفهان شباهتی نمی باشد ، و آیا این ستون مسجد جامع نایین که در قرن چهارم هجری بنا شده شباهتی به ریزه کاریهای تخت جمشید یا گچبریهای طاق کسری در تیسفون ندارد. بنابراین ملاحظه می کنید تمام این شاهکارهای هنری که از پدران ما به یادگار مانده جزء دسته ی هنرهای تزیینی هستند. پدران ما از ساعتی که از خانه هایشان بیرون می آمدند تا به مسجد برای ادای نماز یا به دیوان خانه برای انجام وظایف روزانه یا به حمام برای شستشو بروند، دائماً سر و کارشان با هنر بوده . اگر راه دور بود سوار بر اسبی می شدند زین اسب با انواع قالیچه ها و منگوله ها و زنگوله ها تزیین شده بود. قلم کاری که بر کمر داشتند خود بمنزله شاهکاری از هنر نقاشی بود و وقتی به خانه برمی گشتند از دیدن پرده های قلمکار و رو کرسیهای گلابتون و آفتابه لگن های برنجی مزین به گل و بوته و بلبل و قاشقهای شربت خوری و دوغ خوری چوبی ، کار آباده و مجموعه اشیائی که با آن سر و کار داشتند و با انواع تزیینات مزین شده بود لذت می بردند. مانند این است که امروز سنت هنری پدرانمان را از یاد برده ایم

ولی خوشبختانه هنرهای زیبای کشور بیدار است و عموم هنرمندان درجه اول را در کارگاههای هنری خود واقع در کنار موزه هنرهای ملی جمع کرده و با روشن فکری واقعی آنها را وادار به ادامه هنر قدیم خود نموده است. امروز در کارگاههای هنرهای زیبای کشور نقشه های قالی تکمیل می شوند، زری به سبک عهد شاه عباس ساخته می شود، تمام وسایل در اختیار کوزه گران قرار داده شده تا مانند پدران خود کوزه های زیبا بسازند. برای هنر منبت کاری خاتم سازی استادان زبردستی استخدام شده اند تا هنر پدران خود را سینه به سینه و دست به دست به نسلهای آینده برسانند و مانع این شوند که این هنر در نتیجه وضع اقتصادی جدید فراموش شود



شکل 5: ستونهای مسجد جامع نایین در قرن چهارم هجری ساخته شده است



شکل 4: گنبد کبود در شهر مراغه که در سال ۵۹۳ هجری ساخته شده است



شکل 3: نقش برجسته ی روی سنگ از پله آپادانای داریوش در تخت جمشید



شکل 2: نقوش برجسته روی سنگ از کاخ آپادانای داریوش در تخت جمشید



شکل 1: دسته ظروف نقره زراندود از دوره هخامنشی در موزه لوور